

مقاله پژوهشی

جامعه‌شناسی اقتصادی و فرهنگی بر اساس یادکرد مشاغل و حرف در شعر عصر تیموری (مورد کاری: اشعار امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی، هلالی جغتایی)

علی کابیلی، مریم محمدزاده*، رضا آقایی زاهد

گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.

سال هفدهم، شماره دوم، اردیبهشت ۱۴۰۳، شماره پی در پی ۹۶، صص ۱۴۱-۱۱۷

DOI: 10.22034/bahareadab.2024.17.7290

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب سابق)

چکیده:

زمینه و هدف: پیشه‌ها، حرف و ساختار اقتصادی یکی از گزاره‌های تاریخ اجتماعی است که بررسی و واکاوی گونه‌ها، قلمرو، خاستگاه و جنبه‌های گوناگون آن می‌تواند زوایای تازه‌ای از سبک رفتاری، زندگی و گذشته مردم را به ما بنمایاند. دیوانهای شعری را باید از جمله منابع و مأخذی برشمرد که قادر هستند واژه‌های جامعه‌شناسانه بسیار ارزشمندی را از دوره در اختیار خوانندگان قرار دهند. هدف اصلی این جستار بررسی اشارات اجتماعی و جامعه‌شناسی پاره فرهنگهای اقتصادی، مشاغل و پیشه‌ها در ادبیات عصر تیموری، از لابلای مجموعه اشعار بر جای مانده از شعرای این دوران است.

روش پژوهش: این مقاله با رویکردی توصیفی - تحلیلی بر مبنای مطالعات کتابخانه‌ای و شیوه سندکاوی با نگاهی جامعه‌شناسانه و تکنیک واکاوی نام مشاغل و حرف در دیوان شعری امیر علیشیرنوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی و هلالی جغتایی از شاعران دوران تیموری کوشیده ایم به ارائه نتایج به‌درازی.

یافته‌ها: یافته‌های تحقیق نشان دهنده آن است که ارتباط تنگاتنگی میان اوضاع جامعه در عصر تیموری و رواج هنر، صنعت و رونق بسیاری از مشاغل در قرن هشتم و نهم در ایران وجود دارد که انعکاس آن در آثار شعری این دوره بمتابۀ گزاره‌هایی مناسب جهت رهیافت جامعه‌شناسانه انعکاس یافته است.

نتایج پژوهش: نتایج این بررسی نشان می‌دهد که در عصر تیموریان دلیل توجه تیمور و جانشینان وی از جمله شاهرخ میرزا به هنر و صنعت بویژه در پایتخت تیموریان هرات و توجه به گسترش امور وقف، ساختن مدرسه، مسجد، پرورش معلمان، وعاظ، خطیبان، دیوانهای اقتصادی و اداری، امور نظم اجتماعی چون قضاوت، شحنگی و... همگی مورد توجه قرار گرفته و در شعر این دوران به کنایه یا اشاره مستقیم توسط شاعران، یاد شده است.

تاریخ دریافت: ۱۹ خرداد ۱۴۰۲

تاریخ داوری: ۲۰ تیر ۱۴۰۲

تاریخ اصلاح: ۰۵ مرداد ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۱ شهریور ۱۴۰۲

کلمات کلیدی:

جامعه‌شناسی ادبی، حرف و پیشه‌ها، شعر اجتماعی، عصر تیموری، هنر و صنعت.

* نویسنده مسئول:

m-mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir

۴۴۲۳۹۷۸۱ (۹۸ ۴۱) ☎



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

Economic and cultural sociology based on mention of jobs and letters in Timurid era poetry (Working case: Poems of Amir Alishir Nawai, Ahli Shirazi, Jami, Shah Qasim Anwar, Shah Nematullah Vali, Helali Joghtaei)

A. Kabili, M. Mohammadzadeh*, R. Agayari Zahed

Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 09 June 2023

Reviewed: 11 July 2023

Revised: 27 July 2023

Accepted: 12 September 2023

KEYWORDS

literary sociology, Trades and professions, Social poetry, Timurid era. Craft.

*Corresponding Author

m-mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir

(+98 41) 44239781

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Professions, professions and economic structure are one of the propositions of social history, and the examination and analysis of its species, territory, origin and various aspects can show us new angles of people's behavior, life and past. Poetry divans should be counted among the sources that are able to provide the readers with very valuable sociological words from the period. The main purpose of this essay is to investigate the social and sociological references of some economic cultures, jobs and professions in the literature of the Timurid era, from the collection of poems left by the poets of this era.

METHODOLOGY: This article is based on a descriptive-analytical approach based on library studies and the method of document analysis with a sociological perspective and the technique of analyzing the names of occupations and words in the poetry library of Amir Alishir Nawai, Ahli Shirazi, Jami, Shah Qasim Anwar, Shah Nematullah Vali and Helali Joghtaei. During the Timurid era, we tried to present the results.

FINDINGS: The findings of the research show that there is a close relationship between the state of society in the Timurid era and the spread of art, industry and the prosperity of many businesses in the 8th and 9th centuries in Iran, which is reflected in the poetic works of this period as propositions suitable for a sociological approach. has been reflected.

CONCLUSION: The results of this study show that in the Timurid era, due to the attention of Timur and his successors, including Shahrukh Mirza, to art and craft, especially in the capital of the Timurids, Herat, and the attention to the expansion of endowments, building schools, mosques, training teachers, preachers, orators, Economic and administrative courts, matters of social order, such as judgments, charges, etc., were all taken into consideration and mentioned in the poetry of this era with irony or direct reference by poets.

DOI: [10.22034/bahareadab.2024.17.7290](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2024.17.7290)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
46	0	0

مقدمه

هویت اجتماعی و شاکله اصلی تمدن و فرهنگ هر قومی در ادبیات آن ملت انعکاس می‌یابد؛ لذا شناخت ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی هر ملت و قومی، به بررسی و تحلیل‌های جنبه‌های گوناگون جامعه‌شناسی و شناخت زوایای مختلف متون و آثار ادبی نیاز دارد. ادبیات هر ملت، آینه‌ای تمام‌نما از شاخصه‌های اصلی تفکرات اجتماعی، فرهنگ و تمدن آن ملت بحساب می‌آید. از سویی آثار ادبی از جمله شعر، مولود شرایط تاریخی و اجتماعی هر عصر و دوران است و ارتباط تنگاتنگ و ذاتی میان ادبیات و شرایط و اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی وجود دارد؛ تا جایی که میتوان گفت «آفرینندگان راستین آثار هنری، گروه‌های اجتماعی هستند و نه اشخاص منفرد» (گلدمن، ۱۳۷۱: ص ۱۲).

دوره تیموری یکی از ادوار تاریخی مهم و تأثیرگذار تاریخ ادبیات ایران است. اهمیت این دوره از دو جهت قابل توجه است؛ نخست آنکه پس از ایلغار مغول، نخستین بار تیموریان توانستند ثبات و آرامش نسبی بر طبق منابع تاریخی بر ایران تا حدود زیادی حاکم نمایند. دوم اهمیت و توجهی که حاکمان تیموری به شکوفایی و رونق اقتصادی، هنری و فرهنگی نشان میدادند. قرن هشتم و نهم هجری همزمان است با روی کار آمدن حکومت‌های محلی، ترکمانان و تیموریان و اضمحلال حکومت متمرکز مغول؛ دورانی که تیموریان بعلت توجه به هنر، صنعت، معماری و شعر رونق و آبادانی بسیاری را در ابعاد گوناگون برای کشور ایران به ارمغان آوردند؛ گرچه خرابها و ویرانیهای حاصل از ایلغار مغول، درگیری حکومت‌های محلی و تلاش تیموریان برای تصاحب قدرت و نزاع بر سر جانشینی تیمور شرایط را برای آرامش نسبی شاعران و هنرمندان آنچنان که بایسته و شایسته است فراهم ننموده اما بهر ترتیب اقدامات قابل توجهی در راستای اصلاح امور رخ داد و ادبا و دانشمندان، اهل حرفه و پیشه‌وران مورد حمایت قرار گرفتند (ر.ک میرجعفری، ۱۳۹۵: صص ۹۷ - ۱۱۵؛ جکسون، ۱۴۰۲: صص ۶۰ - ۶۷).

پایگاه‌های اقتصادی و مشاغل و حرف در طی قرون و اعصار گذشته بعنوان رکن اصلی در حیات اقتصادی و اجتماعی ایران بر سایر ارکان جامعه اعم از تمدن و فرهنگ و شعر و ادبیات تأثیرگذار بوده و هست. این مؤلفه در طول تاریخ حیات سیاسی - اجتماعی ایران از اهمیت، جایگاه و اعتبار ویژه‌ای برخوردار بوده است. با این همه توجه به اشارات اجتماعی، خرده‌فرهنگ‌های اقتصادی و مشاغل و حرف در ادبیات و شعر فارسی کمتر مورد توجه محققان و پژوهندگان قرار گرفته است در حالی که کثرت و تنوع توجه به پیشه‌ها و حرف مختلف در ادبیات هر عصر میتواند گزاره‌ای قابل توجه در رشد اقتصادی یک مملکت و بازگو کننده بخشی از تاریخ ادبیات آن جامعه باشد. جامعه‌شناسی فرهنگها یکی از موضوعات اساسی هر نهاد اعم از متون ادبی است که بمنابۀ یک کلیت فرهنگی میتواند از موضوعات محوری و اساسی در مطالعات میانرشته‌ای جهت آشکار شدن ابعاد گوناگون ماهیت جامعه‌شناسانه شعر بحساب آید. اطلاع از نقشه فرهنگی جامعه ایران بر مبنای متون ادبی امکان شناخت زوایای گوناگون فکری مغفول در آثار ادبی را که بازتابی از شرایط فرهنگی، اجتماعی عصر و زمان خویش است، بخوبی فراهم می‌آورد. بر این اساس نظریه‌پردازان و اندیشمندان حوزه جامعه‌شناسی ادبی معتقدند که شناخت پدیده‌های اجتماعی و تحولات فکری، فرهنگی و اقتصادی یک ملت در نتیجه شناخت آثار ادبی و توجه به روابط اجتماعی میان افراد و حکومت بخوبی از طریق گزاره‌های ادبی و متون بر جای مانده از هر دوره بمنابۀ مواد اصلی و اولیه جامعه‌شناسی، قابل درک و دریافت است. چرا که آثار هنری و ادبی موادم و زاینده شرایط اجتماعی خاص خود هستند. شعر بعنوان شکلی منظوم از زبان همین قابلیت و توانایی را دارد و در طول تاریخ بسیاری از ادبا و شاعر توانسته‌اند بکمک دیوانهای شعری خود، انعکاس دقیقی از اوضاع اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی عصر و

زمانه خویش بدست دهند. شعر دوره تیموری بعنوان یکی از ابزارهای مفید و سودمند در جهت شناخت موقعیت و شرایط اقتصادی، مشاغل و حرف و پیشه‌های گوناگون بشمار می‌آید که کمتر مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است؛ با توجه به آنچه که ذکر شد مسأله اصلی این پژوهش و هدف اصلی آن پر کردن خلاء موجود در زمینه این نقیصه و پرداختن به مباحث جامعه‌شناسی اقتصادی در لابلای اشارات اجتماعی متون شعری عصر تیموری بر مبنای اشعار امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی، هلالی جغتایی است. پرسشهایی که این جستار در پی پاسخگویی به آن است عبارت است از آنکه ارزش و کارکرد اطلاعات اقتصادی پیرامون مسائل مختلف در ایران عصر تیموری که در در دیوان شعری شاعران منعکس شده است تا چه حد است؟ مهمترین مشاغل و حرفه‌هایی که بعنوان بخشی از خرده فرهنگهای موجود در نظام اقتصادی ایران در عصر تیموری در اشعار یاد شده منعکس شده است کدامند؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

تاریخ اجتماعی هر عصر و دورانی در حقیقت انعکاسی از تاریخ سیاسی و حکومت است، بصورت قابل توجهی میتواند در متون ادبی از جمله شعر منعکس شود. رویکردی که در آن شاعر تلاش میکند که خواسته یا ناخواسته به زندگی مردم، فرهنگ اقوام و جامعه بپردازد. اطلاعاتی که در لابلای متون ادبی از زندگی اجتماعی مردم بدست می‌آید گاه آن اندازه که باید و شاید مورد توجه مورخان سنتی قرار نگرفته است و برای تکمیل یا جبران این نقص و خلاء موجود و شناخت شرایط سیاسی و اجتماعی هر عصر که ارتباط تنگاتنگی با تاریخ ادبیات آن جامعه دارد، ضروری بنظر میرسد کندو کاو جامعه‌شناسانه و دقیقی در متون ادبی صورت پذیرد؛ گذر منابع ادبی بمانند دیوانهای شعری از جمله مهمترین این آثار هستند که مشحون از اطلاعات ارزنده و آینه تمام‌نمای آیینها، رویدادها و زبان حال ملتها بشمار می‌آید؛ از همین روی این‌گونه آثار از جایگاه ارزشمندی در مطالعات تاریخ اجتماعی و فرهنگی یک ملت برخوردارند. بمنظور شناخت شرایط و اوضاع جامعه در ادوار مختلف، ناگزیر از مطالعه آثار ادبی هستیم «جامعه‌شناسی ادبیات نشان میدهد که ادبیات نیز مانند [نهادهایی چون] خانواده، آموزش و پرورش، حکومت، اقتصاد و... یک نهاد اجتماعی است؛ یعنی ریشه در زندگی اجتماعی دارد. در واقع جامعه‌شناسی ادبیات مطالعه علمی محتوای اثر ادبی و ماهیت در واقع بیشتر کارهای آن در پیوند با دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی است» (ستوده، ۱۳۸۷: ص ۵۶). ادبیات نه تنها بر جامعه اثر میگذارد بلکه میتواند اوضاع و احوال جامعه را در خود منعکس کند. «رنه ولک» در کتاب «نظریه‌های ادبیات» از ادبیات بعنوان نهاد اجتماعی یاد میکند و ملاکهای اجتماعی بودن آن را چنین مورد توجه قرار میدهد «ادبیات سنتی، مثل مجموعه نهادها و سازمانها در ذات خود اجتماعی هستند... خود شاعر نیز یکی از اعضای جامعه است که منزلت اجتماعی خاصی دارد... ادبیات وظیفه یا فایده‌ای اجتماعی دارد که نمیتواند فردی باشد حتی نمیتوان آنها را جزئی از نهادهای اجتماعی دانست؛ آنها خود نوعی اجتماعی هستند که به نهادهای دیگر سخت‌گیر خورده‌اند» (ولک، ۱۳۷۳: ص ۹۹).

هدف پژوهش

هدف اصلی این جستار، شناسایی خرده فرهنگهای موجود در متون ادبی دوره تیموری بر مبنای نظام اقتصادی، حرف و مشاغل است تا معیار و سنج‌های جامعه‌شناسانه برای ارزیابی و بررسی نظام فکری شعر دوره تیموری بدست آوریم.

روش پژوهش

پژوهش پیش رو مطالعه‌ای است توصیفی - تحلیلی بر مبنای روش سندکاوی و کتابخانه‌ای که جهت دستیابی به نتایج و دستاوردهای پژوهشی اشعار امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی، هلالی جغتایی مورد مطالعه قرار گرفته است. جهت دستیابی به اطلاعات لازم، دیوانها بصورت بیت به بیت مورد مطالعه قرار گرفته‌اند؛ واژگان مرتبط، شناسایی شده سپس با بهره‌گیری از دانش جامعه‌شناسی به تحلیل آنها پرداخته‌ایم. شایان ذکر است مشاغلی که در اشعار به آنها توجه شده است در صورت کاربرد کنایی، استعاری یا بلاغی نیز لحاظ شده‌اند و در مواردی که تعداد ابیات هر شاعر بیش از یک بیت بوده، جهت رعایت اختصار، بیتی که دلالت روشنتر و رساتری دارد مدنظر قرار گرفته است. در پایان ذکر این نکته قابل توجه است که پژوهش پیش‌رو قصد ندارد به ارائه آمار بپردازد؛ از این رو نمونه‌ها بصورت هدفمند، سامانمند جهت تحلیل محتوایی پژوهش جامعه‌شناختی مورد توجه قرار گرفته‌اند.

پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های بعمل آمده پژوهشی که بصورت اختصاصی به بحث و بررسی جامعه‌شناسی حرف و پیشه‌ها در شعر تیموری پرداخته باشد، یافت نشد؛ از میان پژوهشهای انجام شده میتوان در خصوص تاریخ اقتصادی عصر مغول و نیز توجه به برخی جنبه‌های اجتماعی در دیوان شعری این عصر بمواردی اشاره نمود که البته بلحاظ هدف پژوهش، با جستار پیش رو متفاوت میباشد و این آثار یا با موضوع اصلی این پژوهش یعنی بررسی جامعه‌شناسی پیشه‌ها و مشاغل موجود در شعر عصر تیموری متفاوت هستند و یا بمحدوده کتب انتخابی مورد نظر و جامعه آماری آن مربوط نمیشوند. در خصوص اشاره به حرفه‌ها و مشاغل گوناگون و صنایع در دوره تیموری مقالات علمی تاکنون منتشر شده است که چنانچه ذکر نمودیم ارتباط میان این پژوهشها با جستار پیش‌رو در هدف تحقیق و دستاورد و نتیجه متفاوت است، اما هر کدام گوشه‌ای از وضعیت اجتماعی - اقتصادی عصر تیموری را در پرتو توجه به هنر و مشاغل گوناگون آشکار میسازند؛ از آن جمله:

پریوش و محمودی (۱۳۹۷) در مقاله «تحلیل جامعه‌شناختی شهرآشوبها بعنوان تاریخ منظوم در عصر تیموری» متن پژوهی ادبی، سال ۲۲، شماره ۷۷، نویسندگان در این مقاله اوضاع اجتماعی عصر تیموریان را با توجه به شهرآشوبهای برج مانده از دوران تیموری مورد نقد و واکاوی قرار داده‌اند.

لعل شاطری و رجبی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان «پارچه‌بافی در دوره تیمور؛ مطالعه موردی پارچه‌های بکار رفته در تزئین چار مراسم طوی» نشریه تاریخ و فرهنگ، سال چهل و هشتم، پیاپی ۹۶، به موضوع تأثیرپذیری هنر پارچه‌بافی در رونق این شغل و نیز تأثیر سبک و سیاق هنر پارچه‌بافی ایرانی و دوری از شیوه‌های سبک چینی در نقوش و رنگ‌بندی و استقلال هنری هنرمندان این عرصه پرداخته‌اند.

الوندی و پروندی (۱۳۹۲) در مقاله «گونه‌شناسی مشاغل و پایگاههای درآمدی یاد شده در دیوانهای شعر فارسی قرنهای هشتم و نهم» نشریه تحقیقات تاریخ اجتماعی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال سوم، شماره دوم مشاغل مرتبط با اجزای عبادات آیینی - دینی، مشاغل مرتبط با احکام اجتماعی دینی، آموزش و اداره اماکن دینی را در شعر ابن یمین، شرف‌الدین یزدی، حسن کاشی، نورالدین طوسی اسفراینی و ابن حسام خوسفی تحلیل نموده‌اند. مقاله مذکور در روش‌شناسی و توجه به برخی حرف و مشاغل در این جستار مورد توجه قرار گرفته است؛ اما دامنه اطلاعات مربوط به مباحث نظری، جامعه‌شناسی اقتصادی عصر تیموری و پایگاههای اقتصادی

که نگارندگان در این مقاله مورد توجه قرار داده‌اند و نیز جامعه آماری پژوهش با تحقیق الوندی و پروندی متفاوت است.

آفرین (۱۳۸۹) در مقاله «تحلیل واقع‌گرایی در نگارگری ایرانی از دوره تیموری تا قاجار» فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی سال دوازدهم در بخشهایی به هنر نقاشی در دوره تیموری و نقش استاد بهزاد در نوآوری نگارگری در این دوره توجه نموده است.

حامدی و حیدری هوشیار (۱۳۸۸) در مقاله‌ای با عنوان «هنرهای ظریفه عصر تیموری» فصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ، سال چهارم، شماره پانزدهم چندین هنر رایج در عصر تیموری از جمله هنر خوشنویسی، نقاشی، تذهیب و تجلید (جلد کردن) کتاب را در عصر و زمانه تیمور و فرزندان و جانشینان وی بررسی نموده‌اند.

با توجه به بررسیهای بعمل آمده میتوان اذعان کرد که با توجه به جامعه آماری اشعار امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی و هلالی جغتایی و نیز مباحث دقیقی که در خصوص شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی عصر تیموریان مورد توجه نگارندگان قرار گرفته است، هیچیک از پژوهشهای صورت گرفته از جامعیت این پژوهش برخوردار نبوده‌اند و جای خالی توجه دقیق به مباحث اقتصادی و علل رونق و وراج برخی مشاغل در دوران تیموری بعنوان یکی از ادوار درخشان هنر و صنعت در ایران پس از اسلام، در میان پژوهشهای انجام شده در ارتباط با تاریخ ادبیات، خالی بود؛ لذا با انجام این جستار میتوان تا حدودی این نقص را برطرف نمود.

بحث و بررسی

مروری بر رونق اقتصادی در حکومت تیموریان

حکومت تیموریان که بطور عمده ایلپاتی و قبایل صحراگرد بودند پس از ایلخانان مغول بر ایران حاکم شدند و امیر تیمور (م ۸۰۷ هـ. ق) و جانشینان او نه تنها به آبادانی شهرها پرداختند بلکه بقا و شکوفایی زندگی اقتصادی، هنری و اجتماعی مردم ایران را بسیار بیشتر از حاکمان مغول مدنظر قرار دادند. تیموریان اهمیت توجه به رونق اقتصادی را درک نموده بودند. بازار هرات در زمان تیمور و شاهرخ احیا شد و بسیار رونق گرفت و هرات به کانون فعالیت صنعتگران در زمان سلطان حسین بایقرا تبدیل شده بود. بسیاری از محققان و پژوهشگران برآنند که مناطقی که توسط تیمور فتح شد از روزگار سابق آبادتر و شکوفاتر گشتند (ر.ک یزدی، ۱۳۸۷: ص ۱ / ص ۲۲۱؛ حسین تربتی، ۱۳۴۲: ص ۳۷۰). تیموریان اهمیت توجه به رونق اقتصادی را درک نموده بودند. بازار هرات در زمان تیمور و شاهرخ احیا شد و بسیار رونق گرفت و هرات به کانون فعالیت صنعتگران در زمان سلطان حسین بایقرا تبدیل شده بود. بسیاری از محققان و پژوهشگران برآنند که مناطقی که توسط تیمور فتح شد از روزگار سابق آبادتر و شکوفاتر گشتند (ر.ک یزدی، ۱۳۸۷: ص ۱ / ص ۲۲۱؛ حسینی تربیتی، ۱۳۴۲: ص ۳۷۰). پس از هجوم ویرانگر قوم مغول و استقرار حکومت ایلخانان از قرن هفتم (هـ. ق) در ایران ثبات و آرامش نسبی جای خود را به آشوب و هرج و مرج و تاخت و تاز مغول داد و اقتصاد ایران با رونق و شکوفایی نسبی مواجه شد. حکومت تیموریان ۹۰۷ - ۷۸۲ هـ. ق را میتوان یکی از نقاط عطف تاریخ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایران بشمار آورد. تیموریان علاقه زیادی به عمران و آبادانی داشتند تا در پرتو فعالیتهای اقتصادی بتوانند جایگاه و پایگاه فرهنگی خود را اعتلا بخشند و از طریق شکوفایی و رونق اقتصادی و توجه به اصناف و پیشه‌وران و تجار خرد و کلان اعم از صنعتگران، شیشه‌سازان، تفنگ‌سازان و... به بقاء حکومت خویش کمک نمایند (سیاسی، ۱۳۹۷: صص ۸۱ - ۸۲).

سیاستهای اقتصادی حکومت تیموریان بویژه در زمان تیمور به گسترش نظام اقتصادی و تجارت داخلی و خارجی با ممالک گوناگون حتی منتهی شد. «حسن توجه [تیمور] بمقولۀ تجارت و تلاشهای دیپلماتیک وی برای تأمین امنیت تجار به حکمرانان ممالک دیگر از جمله مصر و... دیده میشود. بعدها همین رویه را شاهرخ نیز در پیش گرفت. اقدامات تأمینی تجارت از جانب تیمور با محوریت شهر سمرقند تأثیر بسیاری بر اقتصاد ایران و شکوفایی آن داشت» (فرحناکی و یوسفی‌فر، ۱۳۹۷: ص ۱۵۵). در دولت تیمور، در برهه‌هایی تجار، کسبه و اهل پیشه، و وامهایی را جهت کسب و کار خویش دریافت میکردند و حکومت وظیفه داشت از خزانه حکومتی، زمینه را برای کمک به پیشه‌وران و صنعتگران فراهم نماید (ر.ک بار تولد، ۱۳۰۸: ص ۲۱۳). از سوی دیگر تیمور به جنگها و نزاعهای داخلی اشراف زمین‌دار در ایران و غارتگری و چپاول آنها خاتمه داد؛ هر چند عمر حکومت تیموریان چیزی در حدود ۳۶ سال بود اما نتایج این تمرکززدایی در بخش ثروت و ایجاد حکومت یکپارچه مرکزی که در سمرقند پایتخت تیموریان انباشته شده بود، فروکش کردن جنگهای داخلی، امنیت راهها و مرزهای اعطای زمینهای بزرگ به امرا و حاکمان محلی، تقسیم اراضی زراعی و روستاها به مالکان با نظارت بر تولید محصولات کشاورزی و عمران و آبادانی مشاغل و بطور خلاصه رونق اقتصادی بود (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: صص ۹ - ۱۱).

جانشینان تیمور نیز در ادامه فعالیتهای اقتصادی، فرهنگی و عمرانی تیمور در ایجاد آرامش نسبی کشور تلاش نمودند و زمینه رشد و ترقی اقتصادی را فراهم نمودند؛ بعنوان مثال بنا به تأیید منابع تاریخی دوران حکومت شاهرخ تیموری (م ۸۵۰ هـ. ق) ثبات اقتصادی و سیاسی ایران بسیار قابل توجه بود. شاهرخ از بدنه اقتصادی جامعه یعنی کشاورزان بشدت حمایت میکرد و در آبادانی شهرها بسیار میکوشید بر طبق گزارشات اطرافیان شاهرخ و امرا و حاکمان وی در اقصی نقاط ایران در آباد کردن شهرها، و روستاها و رونق اقتصادی بسیار سهیم بوده‌اند (ر.ک خواندمیر، ۱۳۷۲: صص ۱۶۶ - ۱۶۹). پس از شاهرخ الغ بیگ (م ۸۵۰) و سلطان ابوسعید (م ۸۷۳) نیز در این زمینه تلاشهای بسیاری داشتند (ر.ک سمرقندی، ۱۳۸۳: ۴ / ص ۸۶۱). علاقه و توجه تیموریان به بهبود اوضاع اقتصادی، رونق بخشیدن به فعالیت بازاریان و شکوفا شدن بسیاری از بازارهای مهم عصر تیموریان خود دلیلی بر ترقی و پیشرفت اقتصادی ایران در این دوران تاریخی است.

در توصیف اوضاع و شرایط ایران و ثبات و آرامش نسبی ایجاد شده توسط تیمور از زبان وی آمده است: «آنچه موجب روال و انتقال دولت بود از آن اجتناب کردم و از ظلم و فسق که انقطاع نسل میکند و قحط و وبا آرد، احتراز لازم دانستم» (حسین تربتی، ۱۳۴۲: ص ۱۶۹). در دوره حکومت تیموریان، یاسای چنگیزی که از مهمترین مبانی قضاوت بشمار میرفت، تا حدود زیادی در مباحث اقتصادی و نظامی با قوت و شدت و اعمال نظر بسیار از سوی حاکم، مورد توجه قرار میگرفت. تیمور با نظر به یاسای چنگیزی و آمیختن آن با قوانین اسلامی، قواعدی معروف به تزوکات (طرح) را ترتیب داد. در این قواعد، هر یک از طبقات مختلف اجتماعی، دارای جایگاه و مرتبه خاصی بودند؛ محدوده عمل و فعالیت هر طبقه کاملاً مشخص بود و درست همین نظم در برنامه‌ریزی و اجرای آن بود که سبب شد اوضاع ایران در زمان تیموریان بویژه در مسأله امنیت، اقتصاد و هنر نسبت به دوره قبل از اهمیت و رونق بیشتری برخوردار باشد (ناصری داوودی، ۱۳۷۸: صص ۱۳۵ - ۱۳۶). شکوفایی و پیشرفت و ترقی شهرهایی مانند هرات، مشهد، شیراز و بازارهای آنان نتیجه عنایت و توجه تیمور و جانشینان او از نظر اجتماعی و اقتصادی بود. بنا به گزارش و روایات تاریخی، شهرهای بسیاری در ایران در دوره تیموری، درخشانترین دوران خود را سپری کردند و مردم از رفاه کامل برخوردار بودند (ر.ک واله اصفهانی، ۱۳۷۲: صص ۵۲۲ - ۵۲۳؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۰: صص ۶۲ - ۶۳).

از نظر جامعه‌شناسی ادبی بمثابه منابعی که گزاره‌های تاریخی و اجتماعی را بخوبی در خود منعکس میکنند، اهمیت فراوانی دارند چرا که حرفه‌ها، مشاغل و کیفیت آنها میتواند در این متون منعکس گردد از آنجا که گذر زمان و تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی تغییرات بسیار زیادی را در زیر بنای بافت فکری و اجتماعی هر جامعه ای فراهم میکند و ضرورت‌های زندگی سبب حذف یا ایجاد برخی مشاغل میشود، از این لحاظ شعر و ادب فارسی را میتوان گنجینه‌ای از تاریخ اجتماعی بحساب آورد که علاوه بر ذکر حرفه‌ها و صنایع و طبقات اجتماعی، ویژگیهای روحی و روانشناسی اجتماعی مردم را نیز دربر میگیرد.

جامعه‌شناسی پاره فرهنگهای اقتصادی، حرف و پیشه‌ها در دیوان شعری شاعران عصر تیموری

در این قسمت به تفکیک مشاغلی را که شاعران به آنها اشاره داشته‌اند اعم از نکاتی که بصورت غیرمستقیم، تلویحی و کنایی است و با توجه به حرفه و پیشه بصورت مستقیم، مدنظر و تحلیل و بررسی قرار خواهیم داد.

مشاغل مربوط به امور دینی و مذهبی

واعظ و امام جماعت

در تفکر و نگرش و بینش اجتماعی - اقتصادی که در دوره تیموریان وجود داشته است بمانند سایر دوره‌های اسلامی، امام جماعت و واعظ بعنوان پیشه‌ای که از سمت حکومت یا واقفان هزینه دریافت میکردند، بعنوان یکی از مشاغل و حرفه‌های عهد تیموری در نظام اقتصادی حائز اهمیت است (ر.ک فضل‌الله، ۱۳۷۸: ص ۲؛ ویلبر و گلمیک، ۱۳۷۴: ص ۱۳). امیر علیشیرنویسی در دیباجه دیوان خود در حمد و ستایش پروردگار و منقبت ممدوح میگوید:

رسول ابیض و اسود امام یثرب و بطحا
امیر فاسق و فاجر شفیع سارق و زانی
(نویسی، ۱۴۰۰: ۳۱۲)

در عصر تیموریان توجه به مسائل دینی و مباحث آیینی رونق گرفت « در این دوران عده کسانی که به جامعه اهل مذهب وارد میشدند، فزونی یافت. بنابراین مساجد، مدارس و خانقاه‌های بسیاری ساخته شد تا بترویج دین و مذهب و علوم دینی بپردازند» (دلبری، ۱۳۹۶: ص ۸۴). واعظان، خطیبان و سخنوران از جمله همین مبلغان دینی بودند که در حکومت تیموری دستمزد خود را معمولاً از محل وقف اماکن مذهبی حکومت و یا بانیان مراسم دریافت میکردند (بلر، ۱۳۸۷: ص ۵۶).

واعظ افسرده از غوغا زمانه رهند مرغ حال
از هجوم عشق فریاد دل افکاران خوش است
(نویسی، ۱۴۰۰: ص ۶۹)

واعظان تا چند منع جام و ساغر میکنند
چون دماغ خویش را هم گه گهی تر میکنند
(همان: ص ۱۳۱)

واعظ بسر منبر گوید همه از کوثر
من مست و برد خوابم زین بلعجب افسانه
(همان: ص ۳۰۷)

در ابیات ذیل نیز به این شغل اشاره شده است:

گرمی مجو بمجلس واعظ که مسمع
گر باشد آتش از دم سروش بیفسرد
(جامی، ۱۳۹۶: ص ۷۶)

عقل اگر پند میدهد مشنو	چه شنوی وعظ واعظ دم سرد
	(شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۶۸)
چند گویی خبر از دارچنان ای واعظ	دل ما را خبری گوی که دلدار کجاست؟
	(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۳۶)
واعظ بلطف دوست چو امید رحمت است	بسیار درد سر مده و کم عذاب کن
	(هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۲۷۵)

صوفی

توجه به تصوف نیز یکی از مشاغل و پایگاه‌های درآمدی در این دوران بشمار میرفت. یکی از ویژگی‌های بارز حکومت تیموریان گسترش طریقت‌های تصوف توجه به عرفا و صوفیان از طرف حکومت تیموری یک رویه دیگر نیز داشت «و آن اقبال و احترام و پایگاه اجتماعی این قشر در میان مردم بود. در قرن نهم روح مذهبی که در طول تاریخ ایران بر همه مسائل اجتماعی سایه انداخته بود بیش از پیش تقویت شد؛ این موضوع هم بدلیل روش خود سلاطین تیموری بود و هم اینکه پس از حمله مغول و نابسامانی اوضاع مردم زمینه مساعدی برای تقویت مذهبی و التجا بدرگاه الهی فراهم شد» (رمضان جماعت و جدیدی، ۱۴۰۰: ص ۲). از این رو صوفیه در دوران تیموری از جایگاه و پایگاه اجتماعی بسیار بالایی برخوردار شدند. متصوفه در عهد ایلخانان از موقوفات و خانقاه‌های بسیاری برخوردار شدند. «پس از آن هم [در دوران تیموریان] علاوه بر حمایت سلاطین و حاکمان، بویژه تیمور و جانشینان وی، مردم اماکن بسیاری را وقف خانقاه کرده، درآمدهایی را به آنها اختصاص میدادند» (حسینی شاه ترابی، ۱۳۸۸: ص ۵۸). چنانکه از تزوکات تیموری که به املائی تیمور بتحریر درآمده است برمی آید، تیمور شخصاً به اهل تصوف علاقه‌مند بوده است و از رهبران طریقت و متصوفین حمایت میکرده است. شاهزادگان و بزرگان تیموری نیز در همه حال جانب حمایت از علما و بخصوص مشایخ صوفیه را نگه میداشتند (رک حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ص ۹۵ - ۹۹). این توجه حاکمان تیموری سبب شده بود تا خانقاهیان علاوه بر برخورداری از جایگاه اجتماعی از مزایای گوناگون اقتصادی نیز بهره‌مند باشند (رک خواندمیر، ۱۳۸۰: ص ۳ / ۱۹۱).

از صوفی رعنا چه صفا چشم توان داشت	کش عمر گرامی همه در زرق و ریا رفت
	(نوایی، ۱۴۰۰: ص ۱۲۸)
صوفی اگر نه مغبجگانش زدند راه	افتادنش بمیکده مست و خراب چیست
	(همان: ص ۱۱۹)
صوفی ز می‌ام واقف اسرار نهان کرد	من نیز چو نوشم بکنم آنچه توان کرد
	(همان: ص ۹۲)
صید دل من زاهد و صوفی نتوانند	سیمرغ من آزاده ز دام مگسان است
	(اهلی شیرازی، ۱۳۹۶: ص ۶۵)
رند و صوفی عارف و عامی خوانیدم که من	در لباس خاص ظاهر شد فریب عام را
	(جامی، ۱۳۹۶: ص ۲۷)
صوفی صافی است در عین صفا	مینماید نور او او را بما
	(شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۳۳)

صد خرجه بیک جرعه دهد صوفی صافی از جام می عشق تو کان باده مصفاست
(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۴۶)

مؤذن

توجه به شغل مؤذنی یکی دیگر از جمله مشاغلی است که پس از ظهور اسلام مورد توجه قرار گرفت. گاه شمار مؤذنانی که در یک شهر به این حرفه اشتغال داشته‌اند به چند صد تن می‌رسد و در برخی از شهرهای مهم اسلامی چون مسجد جامع دمشق و یا مسجدالحرام، مؤذنان گاه ده‌ها تن بودند (ر.ک ابن بطوطه، ۱۴۰۲: ص ۱۱۴). خواندمیر در توصیف مقرری که از محل اوقاف به کارکنان مسجد از جمله مؤذنان در زمان تیموری پرداخت می‌شده است، مطالبی را بیان می‌کند (ر.ک خواندمیر، ۱۳۸۰: ۳ / ص ۱۸۸). امیر علیشیر در بیته‌ای به شغل مؤذنی اشاره دارد؛ البته لازم بذکر است همانگونه که در روش پژوهش بیان گردید، الزاماً توجه به برخی واژگان مرتبط با شغل، پیشه و حرفه‌ای که شاعران مدّت‌نظر قرار داده‌اند در حالت کلی ممکن است جنبه کنایی یا استعاری نیز داشته باشد اما در شمارش و احصاء واژگان مرتبط با پیشه‌ها و خرده‌فرهنگهای اقتصادی لحاظ شده است؛ چنانکه در بیت زیر مشاهده مینماییم:

بس کن خدای را تو مؤذن فغان خویش کس شام نامرادی‌ها را سحر ندید
(نویسی، ۱۴۰۰: ص ۱۶۹)

و گر سری بسجود آوری بغیر وضو بشهرتش چو مؤذن بعالمی است نداست
(همان: ص ۱۴۱)

«پرداخت دستمزد به مؤذنان در صدر اسلام معمول نبود ولی در ادوار بعد ایشان در شمار کارکنان دولتهای اسلامی محسوب می‌شدند و زیر نظر مقامی که متولی امور دینی بود، فعالیت می‌کردند. نظارت بر کار ایشان در دو جنبه پرداخت دستمزد و تعیین صلاحیت انجام می‌گرفت» (موسی‌پور، ۱۳۸۹: ص ۱۲۷).

گر وقت نمازی گذری سوی مؤذن قد قامت او پشت شود زان قد و قامت
(جامی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۷)

از مؤذن شد دلی زنده همه شب گرچه بانگ یا حی داشت
(همان: ص ۱۰۲)

قاری و حافظ قرآن

توجه به حفظ و قرائت قرآن یکی از سنت‌هایی است که پس از اسلام رایج گردید. در ایران قرن هشتم و نهم یعنی دوران تیموری بگزارش سیاحان و جهانگردانی چون ابن بطوطه، حافظان و قاریان قرآن در مساجد از جمله مسجد جامع شهرهای بزرگ و خانقاه‌ها بصورت منظم با دریافت مقرری بقرائت قرآن می‌پرداختند (ابن بطوطه، ۱۴۰۲: ۱۵۱).

خدا بناظم و قاری و راقمش بخشد هر آنچه مصلحت دین و دنی و عقبی است
(نویسی، ۱۴۰۰: ص ۱۰۸)

بار خود دور کن که جز باری در میان نیست سامع و قاری
(جامی، ۱۳۷۵: ص ۸۹)

معلّمی

دوران تیموریان بدلیل توجه خاص حاکمان و امرای این سلسله به هنرمندان، دانشمندان، شاعران، علما و نیز

حکومت شاهان و شاهزادگان ادب دوست و فرهنگ‌پروری چون شاهرخ، بایسنقر، سلطان حسین بایقرا، سلطان ابوسعید و سایرین که بعلم و دانش بسیار علاقه‌مند بودند سبب شد که این دوران را عصر طلایی هنر و ادب ایران پس از مغول بدانند (ر.ک طیبی، ۱۳۶۸: صص ۲ - ۴). «تیمور پس از پیروزی در جنگها و تسلط بر مناطق مختلف عالمان، بزرگان، دانشمندان و فیلسوفان را با خود بشهر سمرقند میبرد؛ تا از آنها در کارهای مختلف استفاده و سطح علمی آنها را بالا ببرد و بعد از این پیروزیها در آنجا مکانی عمومی شامل مدارس، کتابخانه، رصدخانه و... برای آنها بنا میکرد» (لمب، ۱۳۹۰: ص ۲۰۶). توجه تیمور به تعلیم و تربیت و پرورش معلمان در راستای آموزش کودکان و حمایت اقتصادی و معنوی از صاحبان این فن تا بدان اندازه بود که بنا به نقل بارتولد، جان و مال معلمان و آموزگاران همواره در حکومت او از گزند تمام آفات در امان بود (ر.ک بارتولد، ۱۳۳۶: صص ۴۲ - ۴۴). در حکومت تیموریان، مدارس بنوان عالیترین مرکز آموزش با رویکرد دینی بسیار توسعه یافتند و بخش اعظم درآمد آنها در چرخه اقتصادی کشور، از محل موقوفات تأمین میشد (حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ص ۳۶). توجه به شغل معلمي در ابیات زیر از شاعران این عصر قابل توجه است:

معلم عشق و پیر عقل شد طفل دبستانش فلک دان بهر تأدیب وی اینک چرخ گردانش
(نوایی، ۱۴۰۰: ص ۳۹۴)

دبستان بین معلم را که باشد از ره معنی عناصر چار دیوار و رواق چرخ ایوانش
(همان)

در دوره تیموریان تصوف، عرفان و توجه به علم‌آموزی و احترام به شیوخ و علما گسترش یافت. آنچه در این میان مهم بنظر میرسد اینکه معلمان همچون بسیاری از اهل حرف و پیشه‌وران از طرف حکومت مقرری دریافت میکردند (فراهانی منفرد، ۱۳۸۱: ص ۹۸). در دوران تیموری مدارس بعنوان عمده‌ترین و اصلیت‌ترین پایگاه آموزش علوم دینی بسیار توسعه یافتند. (ر.ک حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ص ۳۶)؛ تا جایی که مردم و حکومت مدارس بسیار زیادی ساختند و برای آنها از محل موقوفات مقرری مشخص میشد (ر.ک حسین‌زاده شانه چی، ۱۳۸۸: ص ۸۸). اهلی شیرازی در مدح «سید شریف» ممدوح خویش میگوید:

ای بعلم و فضیلت ارزانی علم اول معلم ثانی
(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۳۲)

معلم را بگو فریاد از آن شوخ ز شوخی کشت شهری داد از آن شوخ
(همان: ص ۱۱۴)

دار ادب درس معلم نگاه تا نشنوی طبلك تعلیمگاه
(جامی، ۱۳۷۵: ص ۱۶۴)

معلم غالباً امروز درس عشق میگوید که در فریاد میبینم طفلان را بمکتبها
(هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۳۳)

مشاغل وزارتی و دولتی

دیوان استیفا

دیوان استیفا یا دیوان بیت المال در حقیقت وزارت دارایی و مالیه حکومتها را بر عهده داشته است. «این دیوان به آنچه وارد بیت‌المال یا خزانه دولت میشد یا از آن خارج میگردد نظارت و رسیدگی داشت و واردات و صادرات از خزانه را در دفتری بنام روزنامه ثبت میکرد و در مواقع ازوم بنظر وزیر میرسانید. مستوفی، دیوانسالار یا وزیر دارایی،

بعد از وزیر سپاه، سومین مقام بشمار میرفت» (راوندی، ۱۳۸۲: صص ۹۱ - ۹۳). در دوران تیموری نیز بر اساس قانون، دیوان استیفا از دیوانهای اصلی کشور بشمار میرفت که مالیاتهای اخذ شده را دریافت میکرد. نظام‌الدین شامی در «ظفرنامه» به بحث و بررسی تاریخ و حکومت امیر تیمور گورکانی پرداخته است به این دیوان اشاره میکند و میگوید: «عمال دیوان بر حسب فرمان به توجیه و تحصیل مال امانی انگوریه قیام نمودند و آن را حاصل کرده بخزانۀ عامره رسانیدند» (شامی، ۱۳۶۳: ص ۸۲). به این دیوان با نگاه ادبی در شعر شاعران این دوران توجه شده است؛ شاه نعمت‌الله با اشاراتی کنایی به این شغل (خزانه‌داری = استیفا) میگوید:

نقش نگین خاتم ختم رسالتند نقد خزانه ملک و عین خاتمند
(نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۱۲۱)

دل ما گنج و گنجخانه ماست گوشۀ جان ما خزانه ماست
(همان: ۱۵۱)

ز نقد عشق چو باشد خزانه دل را چه سود حشمت جمشید و گنج افریدون
(جامی، ۱۳۹۶: ص ۲۰۹)

در خزانه رحمت به قفل حکمت بود زمان دولت ما رسید در وا شد
(شاه قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۱۵۰)

گدایم و تو غنی ای جوان باده فروش زکاتی از همه خمها که در خزانه توست
(امیر علیشیرنویسی، ۱۴۰۰: ص ۷۱)

شهی است باده فروش و خزانه میخانه ز لعل پر خم بسیار در خزانه او
(همان: ص ۳۱۴)

مرا به خازن جنت چه کار و نسبه خلد که آنچه نقد مرا دست در خزانه توست
(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۷۵)

دیوان احتساب

دیوان احتساب وظیفه رسیدگی به نرخ بازار و اوضاع تجاری و معاملات را بر عهده داشته است. ابن بطوطه نقل میکند که در ممالک اسلامی، صاحبان این منصب بعنوان یکی از طبقات اجتماعی بالا و پردرآمد از جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده‌اند (ر.ک ابن بطوطه، ۱۴۰۲: ص ۱۴۵).

محتسبان جان و دل ز دست بدادند یار به بازار احتساب برآمد
(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۱۳۶)

شاه نعمت‌الله ولی نیز در ابیاتی تعریضی از صاحب دیوان احتساب می‌خواهد که او را به جرم مستی و بیخوشی مورد محاسبه قرار ندهد:

جام می بر دست میگردم بذوق در خرابات مغان مست و خراب
چون نیام هشیار بگذر از سَرَم چون ندارم عقل بگذار احتساب
(شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۹۵)

خازن و خزانه‌دار

روح بخش است لب خازن حکمت یا رب درج در جوهر آن لعل شکرپار چه کرد
(نویسی، ۱۴۰۰: ص ۵۹)

مرا به خازن جنت چه کار و نسپه خلد که آنچه نقد مرادست در خزانه توست
 (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۷۵)
 بر رخ جامی بود بی رویت از دروغ دری گر ز روضه خازن اندر قبر او روزن کند
 (جامی، ۱۳۹۶: ص ۴۹)
 در خانه آب و گل غافل منشین ای دل در خانه جان و دل من خازن اسرارم
 (شاه قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۲۱۱)
 گنج او در کنج ویران نیست هست خازن آن غیر سلطان هست نیست
 (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۹۹)

تمغا و تمغاچیان

تمغاچیان افرادی بودند که به مال التجاره پس از وصول و دریافت مالیات و عوارض، علامت مخصوص و شهر میزدند و مأمور وصول و دریافت خراج و مالیات از مال التجاره بودند (ر.ک دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). جامی در اشاره به این شغل بعنوان یکی از ارکان اقتصادی و درآمدزایی در دوره تیموری میگوید:
 نشان نماند ز تمغا بغیر آنکه داغی که در درونۀ تمغاچی از غم تمغاست
 (جامی، ۱۳۹۶: ص ۱۹)

دیوان اوقاف

دیوان اوقاف نیز یکی دیگر از ارکان اقتصاد حکومت‌های اسلامی از جمله تیموریان بوده که در نظام اجتماعی - اقتصادی حکومت و تأمین بخش عمده‌ای از مخارج نقش اساسی بر عهده داشته است. در تزوکات تیموری در خصوص منابع حاصل از درآمد وقف از قول امیر تیمور آمده است «تزوک رواج دین مبین چنین کردم که یکی از سادات ذیقدر را بصدارت اهل اسلام مقرر کردم که ضبط اوقاف نماید» (حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ص ۱۰۲). امیر علیشیر نوایی در اشاره به «وقف» بعنوان یکی از ارکان اقتصادی حکومت میگوید:

شیخ سیم وقف را بامی نداد اما خرید کفش و دستار و عصا بودست مرده لاده خرج
 (نوایی، ۱۴۰۰: ص ۶۸)
 هر دل که جز خیال تو در وی مقام کرد خلوتسرای خاص ترا وقف عام کرد
 (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۵۷)
وقفها کرد و وقفنامه نوشت مهم چندین هزار نیکی کشت
 (جای، ۱۳۷۵: ص ۴۶)
 جهان را سر به سر کافر شماری نماند وقف را آزرمت به یک بار
 (قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۴۴)
 خرقة بفروخته به جامی می کرده سجاده وقف میخانه
 (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۲۹۹)
 منم که وقف خرابات کرده‌ام سر و زر زر از برای شراب و سر از برای قدح
 (هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۹۱)

مشاغل نظامی و بازرسی

شحنه و داروغه

یکی دیگر از مشاغل دوره تیموری که در اشعار شاعران این عصر مورد توجه قرار گرفته است «شحنگی» و «داروغگی» میباشد. تیمور در تزویرات به این طبقه اشاره نموده است (ر.ک حسینی تربتی، ۱۳۴۲: ص ۳۰۹). در شرح وظایف شحنه در لغتنامه دهخدا آمده است: «شحنه یا فرمانده قوای انتظامی، مأموری [است] که از سوی پادشاه برای ضبط کارها و سیاست مردم و مجازات متخلفان و گناهکاران و قضاوت بر اوضاع بازار در شهرها نصب میشده است» (دهخدا، ۱۳۷۷: ذیل واژه). داروغگی یکی از مناصب اصلی و مهم نظامی و حکومتی بود. «این منصب از دوره سلسله تیموریان تا اواخر سلطنت قاجاریه با کارکردهای مختلف در دوره‌های سیاسی، قضایی و اجتماعی ایران در جهت اداره شهر، تأمین نظم و امنیت اجتماعی جامعه نقش مهمی را بازی میکردند. واژه داروغه از لغت مغولی دارو بمعنای مهر کردن گرفته شده است. در دستگاه دیوانی مغولان، وظیفه دارو نه جمع‌آوری مالیات و نظارت بر نحوه اداره مناطق فتح شده بدست مغولان از طرف خان بزرگ بوده است» (لمبتون، ۱۳۸۵: ص ۷۹). در دوره تیموریان، داروغه یا همان شحنه که مأموران نظامی در حکومت اسلامی بودند، حدّ شرعی را برای گناهکاران و عاملان امور خلاف شرع جاری میساختند:

به جرم عشق و می از <u>شحنه</u> ام ضمان طلبید	به پیر میکده عشق گو سپار مرا (نویسی، ۱۴۰۰: ص ۷۶)
حکم کشتن هر کرا فرمود آن سلطان حسن	<u>شحنه</u> عشق از برای جستجوی من رسید (همان: ۱۳۹)
حاکم عدلت بلطف دست ستمکش گرفت	<u>شحنه</u> امرت بقهر غرق ستمگر شکست (اهلی شیرازی، ۱۳۹۶: ص ۶۶)
برخیز و دل <u>شحنه</u> و قاضی بیر از راه	و آنگاه بکش هر که تو خواهی که غمی نیست (همان: ص ۴۳)
<u>شحنه</u> را گر درد دین بودی زدی	گردن واعظ به شمشیر خطیب (جامی، ۱۳۹۶: ۵۹)
سفره‌ای از حرام مالامال نانش از گندمی که <u>شحنه</u> شهر	همه چیزی در او بغیر حلال از فقیران ده گرفته بقهر (جامی، ۱۳۷۵: ۲۵)
شهری که در او <u>شحنه</u> ستمکش باشد	بنگر که در آن شهر چه چربش باشد (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۶۰)
با وجود چنین ستیزه و قهر	میر بازار بود و <u>شحنه</u> شهر (هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۴۸)
با وجود چنین ستیزه و قهر	میر بازار بود و <u>شحنه</u> شهر (همان: ص ۲۸)
گهی قاضی شهری گهی <u>شحنه</u> قهری	گهی چشمه زهری گهی موجی و دریا (قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۱۴)

محتسب

چنانکه پیشتر ذکر شد تیمور حکومت خود را ادامه حاکمیت و آیین چنگیز معرفی نمود و قوانین حاکم بر مملکت همان یاسای چنگیزی بود که وجهه اسلامی و رنگ و بوی دینی بخود داشت. در دوره تیموری محتسبان در راستای برقراری نظم و امنیت بویژه توجه به امور اقتصادی، بازار کوتاه کردن دست یاغیان و شورشیان بر امور مختلف نظارت داشته و حقوق آنها از طرف بازاریان تأمین میشد. از جمله وظایف محتسبان که در آزاری دریافت حقوق انجام میدادند توجه به کسب و کار، جلوگیری از کم فروشی، توزین پیمانه‌ها، منع از تجاوز و تعدی حجره‌داران و کسبه در حق یکدیگر، رعایت بهداشت و جلوگیری از آزار رساندن به حیوانات و برقراری امنیت بود (رک فیاضی و همکاران ۱۴۰۰: ص ۹۱۲). توجه به پیشینه محتسبی از جمله نکات و اشارات اجتماعی در دیوانهای شعری مورد بررسی در دوره تیموری است:

من که غرق میشدم ز اقبال پیر میکده
محتسب این دم کجا یابد به جستجو مرا
(نوایی، ۱۴۰۰: ص ۴۲)

محتسب آمد و در صومعه مستم دانست
رخت در دیرمغان گر نبرم بازآید
(همان: ص ۹۷)

محمد بن خاوند شاه معروف به «خواندمیر» در کتاب روضه الصفا که تاریخی جامع و مفصل از دوره تیموری را ارائه داده است در خصوص اقداماتی که حاکمان تیموری - تا زمان سلطان حسین بایقرا در عهد مؤلف - جهت تقویت نهاد حبسیه، در نظر گرفتن مقرری و حقوق کافی، احترام بسیار به این پیشه سخن رانده است (رک میرخواند، ۱۳۸۰: ص ۱۵۴ / ۸ - ۱۶۰).

ساقیا می ده که ما هم مست و هم دیوانه‌ایم
محتسب بر ما چه گیرد کی بود بر ما گرفت
(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۶۳)

ساقیا می ده که ما هم مست و هم دیوانه‌ایم
محتسب بر ما چه گیرد کی بود بر ما گرفت
(همان: ص ۵۲)

محتسب گر نزند بر خم می سنگ ستم
هر جفای که کند در حق مستان بحل است
(جامی، ۱۳۹۶: ص ۱۱۹)

رند سرمستیم در کوی مغان
محتسب را کی بود بر ما گرفت
(شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۱۱۷)

مگر بمجلس ما محتسب نیاز آرد
که ناز را نخرند از کسی که زیبا نیست
(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۷۴)

که نمک ریزد بخم گه بشکند پیمانه را
محتسب تا چند در شور آورد میخانه را؟
(هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۲۷)

قضاوت

قاضیان از جمله صاحب منصبان متنفد و حائز اهمیت در دوران اسلامی بودند که با گسترش اسلام ذیل توجه به احکام شرعی به دادرسی میپرداختند. «در دوران تیموری قاضیان از جمله مناصب نفوذ بودند که در بین دیگر طبقات و خصوصاً طبقات مذهبی حائز اهمیت بسیار بودند. القابی که برای قاضیان در این دوران بکار میرفته است حاکی از مرتبه بلند اجتماعی آنان میباشد» (بختیاری نیاز آبادی و دیگران، ۱۳۹۹: ص ۵۴). از این رو قضاوت یکی

از مشاغل بسیار حائز اهمیت در دوران تیموری بوده است. در دیوان شعری شاعران این عصر اشارات گوناگون به این حرفه شده است:

کافران درگه <u>قاضی</u> پی یک حبه سیم	خان و مان صد مسلمان با بفتوا افکنند (نوایی، ۱۴۰۰: ص ۹۶)
<u>قاضی</u> پر حيله آيد با سجل پر گواه	محض کذب است از برای جرگه گویی محضر است (همان: ص ۱۱۷)
ز بیم <u>قاضی</u> عهداست ورنه هر که بود	چو لاله کاسه و ساغر پر از شراب کند (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۳۷)
محتسب را نماند باد بروت	ریش <u>قاضی</u> کنید می پالای (جامی، ۱۳۹۶: ص ۲۷۱)
رند و سرمست مناجاتیم و با ساقی حریف	فارغ است از ریش <u>قاضی</u> هر که او می میخورد (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۲۱۵)
<u>قاضی</u> مسند تحقیق امام الثقلین	عارف کعبه مقصود مراد اسلام (قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۱۹۴)
مستم و پیش محتسب دعوی زهد کرده‌ام	<u>قاضی</u> شرع بیش از این کی شنود گواهی‌ام (هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۲۷۱)

اشتغال بصنایع هنری، صنعتگری و معماری بعنوان فعالیت اقتصادی

بی‌تردید هنرمندان، معماران، نقاشان و صنعتگران در تمامی ادوار تاریخ کم و بیش از جایگاه اجتماعی خاصی در نزد حکومت‌های مختلف برخوردار بوده‌اند. در دوران حکومت تیموریان توجه به هنرمندان، صنعتگران، نقاشان و نگارگران کم و بیش نسبت به دوران مغول با شدت و حدت بیشتری مورد توجه قرار گرفت؛ این سیاست بویژه در سمرقند پایتخت تیموریان سبب جذب تعداد بسیار زیادی از هنرمندان شد؛ توجه امرای تیمور به هنر تا بدان اندازه بود که «در بین اعضای خانواده سلطنتی شاهزادگانی چون بایسنقر میرزا و ابراهیم سلطان فرزندان شاهرخ در هنر خوشنویسی صاحب سبک بودند و آنها را میتوان در جایگاه هنرمندان برتر جامعه تیموری قلمداد نمود. در میان جایگاه‌های فرادست جامعه، امرا و وزرایی هم بودند که در برخی از شاخه‌های هنری و صنعتی دستی داشتند امیر محمد صالح پسر امیر نور سعید و امیر حبیب‌الله پسر میر حیدر در خوشنویسی و موسیقی و خواجه عبدالله مروارید، وزیر سلطان حسین بایقرا در خوشنویسی سرآمد بودند» (نوایی، ۱۳۶۳: صص ۱۱۰ - ۱۱۲؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۰: ۲ / ص ۹۵۹). از این رو در حکومت تیموری توجه به انواع فنون از جمله خطاطی، نقاشی، معماری و... بسیار بیشتر از قبل مورد توجه بود. «تیمور به دانش و هنر علاقه نشان میداد؛ از این رو هنرمندان و صنعتگران در حکومت او جایگاه ویژه‌ای داشتند. فرزند او شاهرخ و نوه‌هایش الغ بیک، بایسنقر میرزا و ابراهیم میرزا نیز این سیاست را پی گرفتند و هنر نقاشی و معماری و خوشنویسی در دوره تیموری بشکوفایی قابل توجهی دست یافت. فرمانروایی شاهرخ را سرآغاز یک عصر جدید و تجدید حیات در بعضی از انواع هنر معرفی کرده‌اند. توفیق شاهرخ در تسخیر تمامی قدرت در هرات و توجه وی و پسر هنرمند و هنر پرورش بایسنقر به هنر، بسیاری از هنرمندان را از اقصی نقاط ایران به هرات کشاند. شاهرخ به‌مراه پسرش بایسنقر حامی و بانی شکل‌گیری مکتب هرات از سبک‌های مهم هنر در ایران بود و تحت حمایت او نقاشان، خوشنویسان، تذهیبکاران [بسیاری] در هرات گرد هم

آمدند» (براون، ۱۳۵۱: صص ۴۲۹ - ۴۳۱). البته لازم بذکر است که هنر دوره تیموری بشدت تحت تأثیر آموزه‌های اسلامی بود. تیمور شخصاً ثروت بسیاری را که از کشور گشایبهای خویش بدست آورده بود صرف ساختن مساجد و بناهای باشکوه میکرد از این رو مهندسان و معماران بسیاری در مرکز حکومت وی گرد هم آمده بودند (ر.ک ویبلر و گلمبک، ۱۳۷۴: ص ۱۸). از این رو در دوران تیموری پرداختن به معماری، خطاطی، نقاشی، تذهیب و هنرهایی از این دست جزء مشاغل مورد توجه و معتبر بود. اشاراتی به انواع هنر، فنون و صنایع در اشعاری از این دوران:

طلسم خلقت را دست قدرت کرده معماری	در آنجا گنج حکمت از ملک بنهاد پنهانی (نوایی، ۱۴۰۰: ۳۷۲)
تو آن نوشیروان عدلی که در گلشن سرای دهر پس از معماری عدل تو در این عالم ویران	فکندی طرح معموری بکندی بیخ طغیان را نیابد کس بصد گنج گهر یگ کنج ویران را (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۵)
در خلوت دوستان دمساز	معماری دوستان کند راز (جامی، ۱۳۷۵: ص ۱۶)
عدل کن عدل که معماری عدل تو کند	سد هر رخنه ظلمی که به آفاق در است (جامی، ۱۳۹۶: ص ۴۹)

نقاشی از جمله دیگر هنرها و مشاغلی بود که در دوران تیموری رونق و رواج بسیاری داشت؛ تا جایی که یکی از پردرآوازه‌ترین نقاشان چیره‌دست تاریخ هنر ایران «بهزاد» (۸۶۵ هـ. ق) در دربار سلطان حسین بایقرا توانست با حمایت‌های مادی و معنوی تیموریان نوآوریهای بسیاری را در نگارگری و نقاشی ایران بوجود آورد (ر.ک پاکباز، ۱۳۸۴: ص ۸۰). «بعد از بایسنقر، سلطان حسین بایقرا در هرات به‌همراه وزیر فرهنگدان خود امیر علیشیر نوایی، فضای بسیار مناسبی را در اختیار شاعران، هنرمندان، نقاشان و... قرار داده بودند. بهزاد در دربار و مجالس هنری سلطان حسین بایقرا، از شأن والایی برخوردار بود! بطوری که سلطان او را لقب مانی ثانی داده بود. عبدالرحمان جامی رهبر طریق نقشبندیه [شاعر معروف] در این دوران تأثیر فرهنگی بسیاری داشت. از دیگر نقاشان نخبه و نوآور این عصر میتوان از روح الله میرک خراسانی و محمد هروی و شاه مظفر نام برد» (آفرین، ۱۳۸۹: ص ۵۵). نمونه‌هایی از اشاراتی که شاعران این دوران بصنعت و هنر نقاشی دارند:

چو عکس صورتت در باده ظاهر گشت نتواند	بدین سان آب و رنگی ساختن نقاش چین او را (نوایی، ۱۴۰۰: ص ۱۱)
صورت چین که به آرایش نقاش کسی است	کی به زیبایی آن حُسن خداداد رسد (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۲۷)
بوی اگر بردی ز رنگ آمیزی نقاش او	خامه از مژگان و رنگ از چهره دادی حور عین (جامی، ۱۳۹۶: ص ۲۲۱)
گرچه نقاش بسی نقش کند صورتها	همچو تو صورت خوبی نکشید، هرگز (شاه نعمت‌الله ولی، ۱۳۸۲: ص ۹۱)

صنعت نساجی و پارچه‌بافی نیز در قرن هشتم و نهم از اهمیت و جایگاه قابل قبولی برخوردار بود ابن عربشاه در توصیف رونق این صنعت و توجه شاهان تیموری به تزئینات متعدد پارچه جهت لباس، خیمه‌گاه و سرپرده حکما

به تلاش پارچه‌بافان جهت رونق این هنر اشاره دارد (۱۳۵۶: ص ۲۱۷). حضور پارچه‌بافان در دربار تیمور بنا به روایات تاریخی خود مؤید توجه به این پیشه و حرفه در اقتصاد آن عصر می‌باشد. در باب اشاره به این هنر در شعر عصر تیموری به نمونه‌ای بسنده می‌کنیم:

نرسد جز بلندی معراج خیر نساج را ز نساجی
(جامی، ۱۳۷۵: ص ۱۵۱)

به تعبیر کنایی اطلس (پارچه) از دست رفتن و سوزن بر جای ماندن در این بیت که اشاره به هنر خیاطی دارد: گل شد و خارها بگلش بماند اطلس از دست رفت و سوزن ماند (هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۴۲)

تا بسوزن دوستی میدوزم یک چاک دل صد هزاران قطره خون از چشم سوزن می‌چکد
(اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۸۱)

سوزن پی لباس سگت گر زند کسی لاغر تنم چو رشته بسوفار در رود
(جامی، ۱۳۹۶: ص ۱۰۲)

نانوایی و خبازی و طبخ‌نیز از دیگر مشاغلی است که در اشعار این دوره اشاراتی به آن شده است. قاسم انوار در حکایت استاد و شاگرد درباره‌ی عسل خوردن و خرید نان از نانوایی آورده است:

بیتوقف شخص شوم ناسزا برد مقراضش به پیش نانوا
در گرو بنهاد یک من نان ستد با عسلها در زمان پاکش بزد
(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۳۲)

جامی نیز در اشاره به شغل طبخ‌نیز در داستانی آورده است:

عربی را که بود ساکن بر جانب ری فتاد رای سفر
دید پیش دکانچه طباخ چرب رودی، نفیر زد گستاخ
(جامی، ۱۳۷۵: ص ۱۴۴)

از دیگر مشاغلی که در اشعار دوره تیموری به آن اشاره شده است قافله‌سالاری است. این شغل که بنا به سنت شعری در بیشتر ادوار فارسی شاعران و سرایندگان به آن اشاره داشته‌اند، در دوران تیموری نیز بمانند گذشته از جمله مشاغل پر رونق بوده است.

فانی، امید چنان است که در وادی عشق مسکن قافله‌سالار بود محفل ما
(نوایی، ۱۴۰۰: ص ۶)

در بادیه محنت هجران شب تاریک با نور رخت قافله‌سالار توان بود
(قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۱۲۰)

تکدی‌گری و گدایی همواره در طول ادوار مختلف در بین طبقات پایین و پست جامعه رواج داشته است. این کار بعنوان پایگاه درآمدی برای بسیاری از افراد همواره مدنظر بوده است؛ تعبیری که در شعر این دوران به سیاق سنت شعری بیشتر در تقابل میان شاه و گدا، غنی و فقیر در قالب عبارات کنایی و استعاری مدنظر قرار گرفته است گرچه بصورت مستقیم به پیشه و حرفه گدایی بعنوان کسب و کاری درآمدزا در چرخه اقتصادی افراد سطح پایین جامعه اشاره نکرده است اما حاکی از نقش انکاناپذیر این رفتار اجتماعی در زندگی بسیاری از مردم جامعه دارد. بعنوان نمونه:

گرچه در دیدم <u>گدا</u> لیکن به یک پیمانه می	با صد افریدون و جم اظهار حشمت میکنم (نوایی، ۱۴۰۰: ص ۳۷۱)
<u>گدای</u> دیر ز شه زمان چه غم دارد؟	که از سفال خرابات جام جم دارد (همان: ص ۱۱۴)
بسی نان چون مه و خورشید <u>سائل</u> را شود روزی	به بزم ار گسترد اقسام جود و حشمت و خوان را (همان: ص ۹۳)
ملک راحت طلبی رند و <u>گدا</u> باش چو من	ورنه سلطان شو و دل بر خطر و بیم بنه (اهلی شیرازی، ۱۳۶۹: ص ۱۹۳)
رد مکن نقد هستی از جامی	کز <u>گدا</u> هر چه هست بسیار است (جامی، ۱۳۹۶: ص ۵۶)
سلطان خبر ندارد از حال نعمت‌الله	اسرار پادشاهی مرد <u>گدا</u> چه داند (شاه نعمت‌الله، ۱۳۸۲: ص ۹۲)
مست از شراب عشق کن این عقل دور اندیش را	از تو <u>گدایی</u> میکند خیری بده درویش را (قاسم انوار، ۱۳۹۸: ص ۹)
آن <u>گدا</u> را چون راند از در شاه	مدتی مینشست بر سر راه (هلالی جغتایی، ۱۳۶۸: ص ۴۸)

نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه که در این مقاله به آن اشاره شد عصر تیموری با وجود نارساییها و کاستیهای که بتبع در خود داشت در مقایسه با دوران مغول، شرایط و اوضاع نسبتاً مناسبتر و آرامتری را از هر لحاظ برای مردم ایران به ارمغان آورد. هنردوستی و توجه امرای تیموری به علم و صنعت و گردآوری خیل عظیمی از صنعتگران، شاعران و اهل پیشه و هنرمندان در هرات پایتخت تیموریان، زمینه و شرایطی را برای رشد بهتر و بهبود اوضاع اقتصادی و اجتماعی ایران فراهم نموده بود؛ از آنچه که جامعه‌شناسی ادبی به بررسی ارتباط میان ادبیات و جامعه میپردازد، در این مقاله مشخص شد که اشارات اجتماعی - اقتصادی موجود در دیوان امیر علیشیر نوایی، اهلی شیرازی، جامی، شاه قاسم انوار، شاه نعمت‌الله ولی و هلالی جغتایی بازتاب و انعکاسی از اوضاع و شرایط عصر و زمانه آنها بوده است. گرچه در برخی اشارات اقتصادی در اشعار این هنرمندان و شاعران برگرفته از سنت شعری در تمامی ادوار شعر فارسی است اما اشاراتی مستقیم یا کنایی به برخی از پیشه‌ها، حرفه‌ها و مشاغل حاکی از آن است که دستکم پاره‌ای از مشاغل و نظام اقتصادی عصر تیموری بصورت کاملاً مشخص و آشکاری در شعر این دوران منعکس شده است.

مشارکت نویسندگان:

این مقاله از رساله دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی مصوب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر استخراج شده است. خانم دکتر مریم محمدزاده راهنمایی این رساله را بر عهده داشته‌اند و طراح اصلی این مطالعه و نویسنده مسئول بوده‌اند. آقای علی کابیلی بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم

متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر رضا آقایاری زاهد بعنوان مشاور این رساله در گردآوری و تنظیم متن نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی:

نویسندگان بر خود لازم میدانند مراتب تشکر خود را از سردبیر محترم، مدیر مسئول گرامی و همکاران فرهیخته نشریه بهار ادب و نیز کارکنان محترم گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر اعلام نمایند.

تعارض منافع:

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش بعهده نویسنده مسئول است و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ibn Battuta (1402). travelogue Translation: Mohammad Ali Movahed. The seventh edition. volumes. Tehran: Karnameh, pp. 114-151-145. 2.
- Ibn Arabshah. Ahmad Ebn Mahmud (1356). Timur's amazing life. Translation: Mohammad Ali Nejati. Tehran: Book Translation and Publishing Company, p. 217.
- Ahli Shirazi. Muhammad Ebn Yusuf (1369). Diwan .By: Hamed Rabbani. second edition. Tehran: Sanai Library.
- Afarin. Farida (1389). Analysis of realism in Iranian painting from Timurid period to Qajar period. Biannual scientific-research journal of Islamic art studies. The twelfth number. pp. 53-72.
- . Barthold. Vasily (1308). Iran historical geography card. Translation: Hamze Sardador (Talibzadeh), Tehran: Tehran Union Printing House, p. 213.
- (1336). Ologh Bey and his time. Translation: Hossein Ahmadipour. Tehran: Chehar Bookstore, pp. 44-42.
- . Bakhtiari Niazabadi. Mohammad Reza and others (2019). The origin of the post of judge and the position of Timurid judges in the Great Khorasan region and its reflection in painting. Journal of art studies. islamic Number 40. Period 17. pp. 54-71.
- Brown. Edward (1351). History of Iranian literature; From Saadi to Jami. With the efforts of Ali Asghar Hekmat. Tehran: Ibn Sina, pp. 429-431.
- Blair. Sheila (1387). Architecture and society during Ilkhanate period (Analysis of Raba Rashidi's dedication letter). Translation: Mehrdad Qayyumi. Number 13. pp. 73-48.
- Pakbaz Ruain (1384). Iranian painting. Tehran: Zarin, p. 80.

- Jami Nuruddin Abdul Rahman (1375). Masnavi Haft Aurang. Edited by: Madrasi Gilani. The seventh edition. Tehran: Mehtab.
- (2016). Diwan Tehran: Mehravid.
- Jackson. Peter (1402). History of Iran during the Timurid period. Translation: Yaqoub Azhend. The seventh edition. Tehran: Jami (authenticated), pp. 67-60.
- Hafez Abro (1370). Historical geography of Khorasan. Correction and suspension: Gholamreza Varharam. Tehran: Information, pp. 9-11. 62-63-36-959.
- Hosseinzadeh Shanachi. Hassan (1388). History of education in Islam. Tehran: Nashr al-Mustafi, p. 88.
- Hosseini Torbati. Abu Talib (1342). Timurid Tazukat. Tehran: Asadi Bookstore, pp. 209-102-102-98-98-98-169-370.
- Hosseini Shah Torabi. Syed Morteza (1388). Shiite Sufis in Khorasan during the Timurid period. Sokhon Tarikh magazine. Number 4. pp. 56-71.
- Khandmir. Ghiyasuddin Ebn Hammam (1372). The effects of the king Correction: Mirhashem Muhaddith. Tehran: Rasa, pp. 166-169.
- (1380). History of Habib al-Sir. Translation: Mohammad Debirsiaghi. With an introduction by Jalaluddin Homai. fourth edition. 4 volumes. Tehran: Khayyam, pp. 188-191.
- Delbari. Shahrabano (2016). The respect and attention of the Timurids to the imams and its reflection in the expansion of Imamiyyah Shiism. Two scientific-specialist quarterly studies on the biography of Ahl al-Bayt (AS). third year. Number four. pp. 79-98.
- Dehkhoda .Ali Akbar (1377). dictionary. 16-volume course. Third edition. Tehran: Tehran University Press.
- Ravandi. Morteza (1382). Social history of Iran. The fourth volume. Tehran: Negah, pp. 91-93.
- Ramezan Jamaat. Piurandikht. And Jadidi. Naser(1400). Studying the history of Sufism and Shiism during the Timurid era. Scientific Quarterly Journal of Islamic Iranian History. Islamic Azad University Shushtar branch. Number 2. pp. 1-17.
- Sotoudeh Hedayatullah (1387). Sociology of Persian literature. Tehran: Avai Noor, p. 56.
- Samarkandi. Dolatshah (1383). Tazkira of the poets. Edited by Edward Brown. Volume 4. Tehran: Asatir, p. 981.
- Shami. Nizamuddin (1363). victory letter; The history of the conquests of Amirtimur Gorkani. By the efforts of Ahmad Panahi Semnani. Tehran: Bammad, p. 82.
- Shah Qasim Anwar. Seyyed Moinuddin Ali (2018). Diwan by Hasan Nasiri Jami. second edition. Tehran: Molly.
- Shah Nematullah Wali (1382). General court of Shah Nematullah. Tehran: Alam.

- Shiasi. Morteza (2017). Investigating the economic structure and commercial actors of the Timurid era. History of Khwazmi (Khwazmi University). fifth year Number twenty-two. pp. 79-110.
- Tabibi. Abdul Halim (1368). The history of Herat during the Timurid era. Tehran: Heydari, pp. 2-4.
- Farahani Manfard. Mehdi (1381). The link between politics and culture in the era of the decline of the Timurids and the rise of the Safavids. Tehran: Association of Cultural Artifacts and Treasures, p. 98.
- Farhanaki. Shahram and Yousefifar. Shahram (2017). Factors influencing the trade situation of Khorasan and Trans-Nahr during the Timurid era. Iran and Islam Historical Research Journal. Number 23. pp. 153-176.
- Fayazi. Badrieh et al. (1400). Examining the Court of Accounts and the duties of auditors in the Timurid period. Political sociology of Iran. forth year. Number four. 16 in a row. pp. 912-924.
- Lamb. Harold (1390) Timur Lang. Translator: Ali Javaher Kalam. Tehran: Ebtekar Danesh, p. 206.
- Lambton. Anne (1385). An overview of the history of Iran after Islam. Translation: Yaqoub Azhend. Tehran: Amirkabir, p. 79.
- Musapur. Ibrahim (1389). The professional life of muezzins and its reflection in the mind and language of Muslims. A research in the social history of Islam. Volume 43. Number 1. pp. 121-139.
- Mirjafari.Hossein (2015). The history of political, social, economic and cultural developments in Iran during the Timurid and Turkoman periods. 13th edition Tehran: Samit, pp. 115-97.
- Mirkhand. Muhammad (1380). Rozha al-Safa in the path of the Prophets and Al-Muluk and the Caliphs. Edited by: Jamshid Kianfar. 15 c. Tehran: Asatir. pp. 154-160.
- Nasser Davoudi. Abdul Hamid (1378). Shiism in Khorasan during the Timurid era. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation, pp. 135-136.
- Nawai. Amir Nizamuddin Alishir (1400). Diwan by the efforts of Ruknuddin Homayun Farrokh. First Edition. Tehran: Shafi'i.
- Vale Isfahani. Muhammad Yusuf (1379). Khaldebrin: 6th and 7th mosques. Corrected: Mirhashem Mohadhadh. Tehran: Written Heritage, pp. 522-523.
- Volk. Rene (1373). Theory of literature. Translation: Zia Mohdo Parviz Mohajer. Tehran: Scientific and Cultural, p. 99.
- Viaber. Donaldo Golembek (2004). Timurid architecture in Iran and Turan. Translation:
- Wilber. Donald (1374). Iran's gardens and its pavilions. Translator: Mihan Dekht Saba. Tehran: Scientific and Cultural, p. 13.
- Helali Joghtai. Badr al-Din (1368). Diwan Proofreader: Saeed Nafisi. Tehran: Sanai Library.

Yazdi. Sharafuddin Ali (1387). victory letter 2 c. Edited by: Seyed Saeed Mirmohammed Sadiq and Abdul Hossein Navaei. Tehran: Library of the Museum and Document Center of the Islamic Council. P. 221.

فهرست منابع فارسی

- ابن بطوطه (۱۴۰۲). سفرنامه. ترجمه: محمدعلی موحد. چاپ هفتم. ۲ جلد. تهران: کارنامه، صص ۱۱۴ - ۱۵۱ - ۱۴۵.
- ابن عربشاه. احمد بن محمود (۱۳۵۶). زندگانی شگفت‌آور تیمور. ترجمه: محمدعلی نجاتی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ص ۲۱۷.
- اهلی شیرازی. محمد بن یوسف (۱۳۶۹). دیوان. به کوشش: حامد ربانی. چاپ دوم. تهران: کتابخانه سنایی.
- آفرین. فریده (۱۳۸۹). تحلیل واقع‌گرایی در نگارگری ایرانی از دوره تیموری تا قاجار. دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات هنر اسلامی. شماره دوازدهم. صص ۵۳ - ۷۲.
- بارتولد. واسیلی (۱۳۰۸). تذکره جغرافیا تاریخی ایران. ترجمه: حمزه سردادور (طالب زاده). تهران: چاپخانه اتحادیه تهران، ص ۲۱۳.
- (۱۳۳۶). الغ بیگ و زمان وی. ترجمه: حسین احمدی‌پور. تهران: کتابفروشی چهر، صص ۴۲ - ۴۴.
- بختیاری نیازآبادی. محمدرضا و دیگران (۱۳۹۹). منشآت منصب قضا و جایگاه قاضیان تیموری در خطه خراسان بزرگ و انعکاس آن در نگارگری. نشریه مطالعات هنر. اسلامی. شماره ۴۰. دوره ۱۷. صص ۵۴ - ۷۱.
- براون. ادوارد (۱۳۵۱). تاریخ ادبیات ایران؛ از سعدی تا جامی. به کوشش علی اصغر حکمت. تهران: ابن سینا، صص ۴۲۹ - ۴۳۱.
- بلر. شیلا (۱۳۸۷). معماری و جامعه در دوره ایلخانان (تحلیل وقف نامه ربع رشیدی). ترجمه: مهرداد قیومی. شماره ۱۳. صص ۴۸ - ۷۳.
- پاکباز. رویین (۱۳۸۴). نقاشی ایران. تهران: زرین، ص ۸۰.
- جامی نورالدین عبدالرحمن (۱۳۷۵). مثنوی هفت اورنگ. به تصحیح: مدرسی گیلانی. چاپ هفتم. تهران: مهتاب. (۱۳۹۶). دیوان. تهران: مهرآوید.
- جکسون. پیتر (۱۴۰۲). تاریخ ایران دوره تیموریان. ترجمه: یعقوب آژند. چاپ هفتم. تهران: جامی (مصدق)، صص ۶۰ - ۶۷.
- حافظ ابرو (۱۳۷۰). جغرافیای تاریخی خراسان. تصحیح و تعلیق: غلامرضا ورهرام. تهران: اطلاعات، صص ۹ - ۱۱. ۶۲ - ۶۳ - ۳۶ - ۹۵۹.
- حسین‌زاده شانه‌چی. حسن (۱۳۸۸). تاریخ آموزش در اسلام. تهران: نشر المصطفی، ص ۸۸.
- حسینی تربتی. ابوطالب (۱۳۴۲). تزوئات تیموری. تهران: کتابفروشی اسدی، صص ۳۷۰ - ۱۶۹ - ۹۸ - ۹۹ - ۱۰۲ - ۲۰۹.
- حسینی شاه ترابی. سید مرتضی (۱۳۸۸). صوفیان شیعه در خراسان دوره تیموریان. مجله سخن تاریخ. شماره ۴. صص ۵۶ - ۷۱.
- خواندمیر. غیاث‌الدین بن همام (۱۳۷۲). مآثرالملوک. تصحیح: میرهاشم محدث. تهران: رسا، صص ۱۶۶ - ۱۶۹.

- (۱۳۸۰). تاریخ حبیب‌السیر. ترجمه: محمد دبیرسیاقی. با مقدمه جلال‌الدین همایی. چاپ چهارم. ۴ جلد. تهران: خیام، صص ۱۸۸ - ۱۹۱.
- دلبری. شهربانو (۱۳۹۶). تکریم و توجه تیموریان به ائمه و بازتاب آن در گسترش تشیع امامیه. دو فصلنامه علمی - تخصصی سیره پژوهی اهل بیت (ع). سال سوم. شماره چهارم. صص ۷۹ - ۹۸.
- دهخدا. علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغتنامه. دوره ۱۶ جلدی. چاپ سوم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- راوندی. مرتضی (۱۳۸۲). تاریخ اجتماعی ایران. جلد چهارم. تهران: نگاه، صص ۹۱ - ۹۳.
- رمضان جماعت. پوران‌دخت و جدیدی. ناصر (۱۴۰۰). بررسی تاریخ تصوف و تشیع در دوران حکومت تیموریان. فصلنامه علمی تاریخ ایران اسلامی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شوشتر. شماره ۲. صص ۱ - ۱۷.
- ستوده. هدایت‌الله (۱۳۸۷). جامعه‌شناسی ادبیات فارسی. تهران: آوای نور، صص ۵۶.
- سمرقندی. دولت‌شاه (۱۳۸۳). تذکره الشعرا. به تصحیح ادوارد براون. ج ۴. تهران: اساطیر، صص ۹۸۱.
- شامی. نظام‌الدین (۱۳۶۳). ظفرنامه؛ تاریخ فتوحات امیر تیمور گورکانی. به کوشش احمد پناهی سمنانی. تهران: بامداد، صص ۸۲.
- شاه قاسم انوار. سید معین‌الدین علی (۱۳۹۸). دیوان. به کوشش حسن نصیری جامی. چاپ دوم. تهران: مولی.
- شاه نعمت‌الله ولی (۱۳۸۲). کلیات دیوان شاه نعمت‌الله. تهران: علم.
- شیاسی. مرتضی (۱۳۹۷). بررسی ساختار اقتصادی و فعالان بازرگانی عصر تیموری. تاریخنامه خوارزمی (دانشگاه خوارزمی). سال پنجم. شماره بیست و دوم. صص ۷۹ - ۱۱۰.
- طیبی. عبدالحلیم (۱۳۶۸). تاریخ هرات در عهد تیموریان. تهران: حیدری، صص ۲ - ۴.
- فراهانی. منفرد. مهدی (۱۳۸۱). پیوند سیاست و فرهنگ در عصر زوال تیموریان و ظهور صفویان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، صص ۹۸.
- فرحناکی. شهرام و یوسفی‌فر. شهرام (۱۳۹۷). عوامل مؤثر بر وضعیت تجارت خراسان و ماوراءالنهر در دوران تیموریان. مجله پژوهش‌های تاریخی ایران و اسلام. شماره ۲۳. صص ۱۵۳ - ۱۷۶.
- فیاضی. بدریه و همکاران (۱۴۰۰). بررسی دیوان حسبه و وظایف محتسبان در دوره تیموریان. جامعه‌شناسی سیاسی ایران. سال چهارم. شماره چهارم. پیاپی ۱۶. صص ۹۱۲ - ۹۲۴.
- لمب. هارولد (۱۳۹۰). تیمور لنگ. مترجم: علی جواهر کلام. تهران: ابتکار دانش، صص ۲۰۶.
- لمبتون. آن (۱۳۸۵). سیری در تاریخ ایران بعد از اسلام. ترجمه: یعقوب آژند. تهران: امیرکبیر، صص ۷۹.
- موسی‌پور. ابراهیم (۱۳۸۹). زندگی حرفه‌ای مؤذنان و بازتاب آن در ذهن و زبان مسلمانان. پژوهشی در تاریخ اجتماعی اسلام. دوره ۴۳. شماره ۱. صص ۱۲۱ - ۱۳۹.
- میرجعفری. حسین (۱۳۹۵). تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره تیموریان و ترکمانان. چاپ سیزدهم. تهران: سمت، صص ۹۷ - ۱۱۵.
- میرخواند. محمد (۱۳۸۰). روضه‌الصفافی سیر الانبیا و الملوک و الخلفا. به تصحیح و تحشیه: جمشید کیان فر. ۱۵ ج. تهران: اساطیر. صص ۱۵۴ - ۱۶۰.
- ناصر داوودی. عبدالحمید (۱۳۷۸). تشیع در خراسان در عهد تیموریان. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، صص ۱۳۵ - ۱۳۶.
- نویسی. امیر نظام‌الدین علیشیر (۱۴۰۰). دیوان. به کوشش رکن‌الدین همایون فرخ. چاپ اول. تهران: شفیعی.

- واله اصفهانی. محمد یوسف (۱۳۷۹). خلدبرین: روضه‌های ششم و هفتم. مصحح: میرهاشم محدث. تهران: میراث مکتوب، صص ۵۲۲ - ۵۲۳.
- ولک. رنه (۱۳۷۳). نظریه ادبیات. ترجمه: ضیاء موحدو پرویز مهاجر. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۹۹.
- ویابر. دونالدو گلمیک (۱۳۸۴). معماری تیموری در ایران و توران. ترجمه: محمد یوسف کیانی. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، ص ۱۸.
- ویلبر. دونالد (۱۳۷۴). باغهای ایران و کوشکهای آن. مترجم: میهن دخت صبا. تهران: علمی و فرهنگی، ص ۱۳.
- هلالی جغتایی. بدرالدین (۱۳۶۸). دیوان. مصحح: سعید نفیسی. تهران: کتابخانه سنایی.
- یزدی. شرف‌الدین علی (۱۳۸۷). ظفرنامه. ج ۲. به تصحیح: سید سعید میرمحمد صادق و عبدالحسین نوایی. تهران: کتابخانه موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی. ص ۲۲۱.

معرفی نویسندگان

- علی کابیلی:** دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: alipouianfar@gmail.com)
- مریم محمدزاده:** دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(نویسنده مسئول: m-mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir)
- رضا آقایی زاهد:** استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد اهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اهر، ایران.
(Email: r-agayari@iau-ahar.ac.ir)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

- Ali Kabili:** Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: alipouianfar@gmail.com)
- Maryam Mohammad Zadeh:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: m-mohammadzadeh@iau-ahar.ac.ir: Responsible author).
- Reza Aghayari Zahed:** Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, Ahar Branch, Islamic Azad University, Ahar, Iran.
(Email: r-agayari@iau-ahar.ac.ir)